

گنبد سلطانیه

گلناز اکبری

کارشناس مطالعات اجتماعی آموزش و پرورش رباط کریم

پیشینه سلطانیه

زمان در زمان، عشق در عشق، فرهنگ در فرهنگ، و آنچه که جاودانی است، عشق است و بس، و عشق و فرهنگ میراثش از گذشته تا به حال؛ یادگاری پابرجا از قرن هفتم هجری. منطقه سلطانیه، با ارتفاع ۱۸۸۰ متر از سطح دریا، در ۳۹ کیلومتری جنوب شرقی زنجان واقع شده است. این منطقه از دیرباز مورد توجه اقوام مختلف بوده است و براساس کتیبه‌های به‌دست آمده از شاهان آشور، در قرن هشتم پیش از میلاد محل سکونت طایفه‌ای جنگاور (ساکاراش‌ها) بود. در عهد فرمانروایان ماد به نام «اریاد» خوانده شده است. پارت‌ها آن را به نام نخستین پادشاه خود، «ارساس» نامیدند. پس از استقرار مغولان در ایران و پایتختی تبریز، با توجه به شباهت چمنزار این منطقه به چمنزارهای مغولستان، توجه ایلخانان به این نواحی که در آن زمان «قنقوراولانگ» نام داشت، جلب شد. براساس متون تاریخی، هنگام ورود مغولان به این منطقه، نام آن «شرویاز» بود. ارغون‌شاه بنای شهر را نهاد، ولی عمرش کفاف نداد تا ثمره‌ی تلاش خود را ببیند. فرزندش در راه پدر قدم نهاد و بزرگ‌ترین گنبد آجری دنیا و سومین بنای بزرگ تاریخی جهان را پس از «سانتاماریا» در فلورانس ایتالیا، و «ایا صوفیه» در استانبول ترکیه، یعنی گنبد سلطانیه را بنا نهاد.

چمن سلطانیه

این چمن با وسعت تقریبی ۳۵ کیلومتر مربع به طول ۲۰ کیلومتر و عرض متوسط ۲ کیلومتر، درست در جنوب فلات زنجان و با امتداد شرقی - غربی قرار گرفته است. در متون جغرافیایی، از چمن سلطانیه به نام «پرری» (بهترین نوع علفزارهای دنیا که ارتفاع علف آن به ۳۰ تا ۹۰ سانتی‌متر می‌رسد) یاد می‌شود. این چمن که در محوطه‌ای به مساحت ۲۵۰ هکتار واقع است، بنای ۷۰۰۰ ساله‌ی گنبد عامل اصلی شکل‌گیری شهر تاریخی سلطانیه بوده است. از این رو، **حافظ اسیر** و در کتاب «تاریخ مبارک غازانی»، در مورد چمن سلطانیه چنین آورده است:

«بیلاقی به غایت منتزه است و قرای بسیاری در حوالی آن، و مرغزارهای خوب و هوای خوش و سردسیر و گرمسیر نزدیک و علف‌خوار بسیار دارد.»

ویژگی‌های بنای سلطانیه

این بنا در دوران حکومت **الجاتو** (سلطان محمد خدابنده) در مدت ۱۰ سال، ۷۰۳ تا ۷۱۳ هجری قمری احداث شد. ارتفاع گنبد ۴۸/۵ متر و

قطر دهانه‌ی گنبد ۲۵/۵ متر است. گنبد سلطانیه بنایی است هشت‌ضلعی که طول هر ضلع آن ۱۷ متر است. هشت ضلع داخل بنا، در طبقه‌ی هم‌کف به‌صورت هشت ایوان (چهار بزرگ و چهار کوچک) و با هشت مناره است، و هشت ایوان، خود یادی است از هشت در بهشت که ابواب پریعی (درهای نیک) بنا شامل سه طبقه و سه قسمت (گنبدخانه، تربت‌خانه و سردابه) است.

ستون‌های افراشته چندین قرن است بار بنا را بر دوش دارند. پنج‌بار تکرار نام حضرت **محمد(ص)** با آجر و کاشی دست‌ساز، زینت و زیبایی این ستون گشته است. در این ستون‌ها هم‌چنین با خط کوفی پنج‌بار نام حضرت محمد(ص) آمده است که اگر هر کدام را برعکس بخوانیم، پنج‌بار نام حضرت **علی(ع)** تکرار می‌شود. قوس این طاقی‌ها و دقت در ساخت آن‌ها، هر کارشناس ساختمان را متحیر می‌سازد.

قرن‌هاست که این آجر و کاشی در دل هم به ذکر «سبحان‌الله» مشغول‌اند. شش‌بار تکرار سبحان‌الله به‌صورت دوخطی در دورتادور قوس ادامه دارد. ارتفاع این بنا طبق محاسبات برابر ۱۷ طبقه‌ی امروزی است. پی و فونداسیون این بنا می‌باید ۲ تا ۳۸۵ متر باشد. ولی جالب آن است که پی این بنا فقط ۰/۵ متر است. آیه‌های قرآن با آجر و کاشی دست‌ساز در دوره‌ی اول تزئینات، زینت‌بخش دیوارها بودند که دوره‌ی دوم تزئینات، با گچ‌بری پوشانده شده‌اند. درون شمسی‌های دوره‌ی گچ‌کاری، ۱۶ بار نام حضرت علی(ع) و ۱۶ بار نام حضرت محمد(ص) براساس حروف ابجد تکرار شده‌اند که تمامی آن‌ها دارای رمز هستند.

از طریق راه‌پله‌های مارپیچی و تنگ و باریک اما بسیار خنک، از طبقه‌ی هم‌کف به بالا راهنمایی می‌شویم. یکی از زیباترین و جالب‌ترین یادگارهای سلطانیه در طبقه‌ی اول، نرده‌های چوبی است که پس از ۷۰۰ سال، با این که هیچ مرمتی در آن‌ها صورت نگرفته است، با زیبایی تمام خودنمایی می‌کنند. چوب این نرده‌ها از ساج است و از لبنان و هندوستان به ایران آمده و قبل از ساخت در آب نمک و دوغاب گچ خوابیده است. نرده‌ها بدون کاربرد حتی یک میخ، با چفت و بست ساخته شده‌اند.

ارادت خاص سلطان محمد به حضرت علی(ع) باعث شد تا دستور دهد، بین آجرها دوبار نام حضرت علی(ع) را تکرار کنند. عین و لام نیز دوبار تکرار می‌شوند و «ی» در هر دو مشترک است. در ایوان شرقی، سوره‌ی اخلاص با خط کوفی تزئینی، با آجر و کاشی بسیار زیبا در چرخش داخل ایوان نقش بسته است. دقت و ظرافت از بای بسم‌الله

تا انتهای سوره به چشم می‌خورد که نشانگر ذوق و هنر هنرمندان آن است. سلطان محمد تصمیم داشت پیکر مطهر حضرت علی(ع) را به این بنا منتقل کند. همین مهم باعث شد تا ایوان‌های طبقه‌ی اول رو به داخل ساخته شوند تا زنان از آن‌جا جدای از مردان به طواف حضرت علی(ع) بپردازند. اگرچه این امر صورت نپذیرفت، اما زیبایی‌های این ایوان‌ها طی قرون باقی ماندند و هنوز انسان را متحیر زیبایی خود می‌کنند.

معمار علی شاه، به دستور سلطان محمد، به همراه سه‌هزار کارگر به مدت ۱۰ سال این بنا را به پایان رساند که تزئینات آن آجر و کاشی دست‌ساز بود. ولی چه سود که سلطان راضی نشد و دستور داد تا آن همه چشم‌نوازی به گچ سپرده شود و گچ‌بری، تزئینات آجری و کاشی دوره‌ی اول را پوشاند. حاصل همت هنرمندان گچ‌کار، سه سال کار مداوم بود و تزئینات خیره‌کننده‌ای که عشق است و هنر و هنر است و عشق. بر اثر مرور زمان، گچ‌کاری‌ها در جای جای بنا فرو ریختند و آجر و کاشی دست‌ساز رخ نمود. کاشی‌کاری‌های بسیار زیبا، زحمت فراوان معماران راه، چون خورشیدی فروزان از پس آجرهای تیره بیرون کشید.

از طبقه‌ی اول و زیبایی‌های بسیار آن جدا می‌شویم و به طبقه‌ی دوم می‌رویم. ایوان‌های این طبقه رو به بیرون هستند. آن‌چه در این طبقه بیش از هر چیز چشم انسان را خیره می‌سازد، گچ‌بری‌های بی‌نظیر سقف آن هستند که به مراتب زیباتر از فرش‌های ابریشمی گران‌قدر ایران‌اند. جالب آن‌که تاکنون هیچ مرمتی در آن‌ها صورت نگرفته است و پس از چندین قرن، هنوز چون گوهری بی‌همتا چشم‌نوازی می‌کنند.

سردابه

اینک آهسته قدم در وادی وهم و اوهام می‌نهیم و به سردابه وارد می‌شویم. سردابه محل دفن مردگان و از فضاهای جانبی گنبد است که در ضلع جنوبی و در زیر تربت‌خانه واقع شده است. درگاه ورودی آن در ایوان جنوبی، به وسیله‌ی نه پله و عبور از یک پاگرد به طول ۱۶۵ سانتی‌متر به کف سردابه راه می‌یابد. این‌گونه استنباط می‌شود که سردابه‌ی گنبد سلطانیه پیش از سایر بخش‌های آن نباشد، و پیش از اتمام بنای گنبد مورد استفاده قرار گرفته است. تزئینات به کار رفته در سردابه شامل نقش آجر در رج‌های منظم است.

مجموعه‌ی بنا با دو طاق مجاور و راهرو کوچک ارتباطی، دارای دو پله با سقف کوتاه، بهترین شیوه‌ی ساخت سردابه‌سازی است. به گواه نوشته‌ی «جامع‌التواریخ» رشیدی، سلطان الجایتو پس از انجام تشریفات و مراسم کفن و دفن در سردابه مدفون شده است.

مادر سلطان محمد مسیحی بود. دین ارغون‌شاه (پدر او) شاخه‌ای از بودایی، یعنی شَمَنی بود. از این‌رو، نام مغولی سلطان محمد، **الجایتو** و نام مسیحی‌اش، **نیکولای** بود. سلطان محمد ابتدا آیین شمنی را برمی‌گزیند و سپس تحت تأثیر همسر ایرانی‌اش مسلمان می‌شود و نام **محمد خدابنده** را بر خود می‌نهد. سلطان محمد وصیت نکرده بود او را در سردابه دفن کند، ولی آیا او در این‌جا دفن است؟ اگرچه هشت مورخ گفته‌اند که سلطان محمد در سردابه دفن است و دوازده مورخ دیگر آن را رد کرده‌اند.

تربت‌خانه

دومین فضای آرامگاه الجایتو، تربت‌خانه است. این فضای مستطیل شکل به طول ۱۷/۶۰ متر و عرض ۷/۸ متر و ارتفاع ۱۶ متر، در قسمت جنوبی دارای محراب است. پوشش سقف تربت‌خانه از سه واحد طاق و تویزه ساخته شده است. قطر طاق وسطی که بزرگ‌تر است، ۹۰ متر و طاق‌های طرفین ۳ متر است. در ارتفاع سه متری از کف، در گرداگرد تربت‌خانه، به دو قلم ریز (خط کوفی مشجر) و قلم درشت (خط ثلث)، کتیبه‌ای از آیات قرآنی نوشته شده است. وجه تسمیه‌ی این نام (تربت‌خانه) روایتی است که براساس آن، در ساخت بخش‌هایی از بنا از تربت کربلا استفاده شده است.

سلطان محمد پس از اسلام آوردن به کربلا و نجف سفر کرد و تصمیم گرفت، پیکر حضرت علی(ع) را از نجف اشرف به سلطانیه بیاورد و در آن‌جا دفن کند. اما نبش قبر در اسلام حرام است و مخالفت علما او را از این کار بازداشت. سلطان محمد برای قداست بخشیدن به بنای ساخته شده، مقداری از تربت پاک **امام حسین(ع)** را از کربلا به سلطانیه آورد و قبله و محراب سلطانیه، یعنی تربت‌خانه را با آن بنا کرد. آن‌چه خواندید در مقابل زیبایی‌های سلطانیه بسیار ناچیز است. پس از شما دعوت می‌کنیم از نزدیک این شاهکار تاریخی و بزرگ‌ترین بنای تاریخی خاورمیانه را ببینید.